باسمه تعالی

موضوع: اصول عملیه/استصحاب /شبهات حکمیه/کلام مرحوم امام

خلاصه مباحث گذشته:

همان طور که گذشت شش اشکال از معارضه مطرح و از همه آن ها جواب داده شد و مختار این شد که استصحاب عدم جعل حاکم و بلکه وارد بر استصحاب بقای مجعول است.

## اشکال هفتم: حکومت اصل بقای مجعول بر اصل عدم جعل

به حسب نقل مرحوم امام از مجلس درس مرحوم حاج شیخ، ایشان استصحاب بقای مجعول را حاکم بر اصل عدم جعل می داند، به این بیان که در حرمت مشکوک ماء متغیر نسبت به ظرف زوال، قائل به حکومت استصحاب بقای مجعول بر اصل عدم جعل است؛ چرا که منشأ شک در جعل این است که آیا حکم شارع نسبت به فرض زوال هم باقی است یا نه؟ در حالی که با استصحاب بقای مجعول شک در این ناحیه هم بر طرف می شود، لذا باید گفت این اصل بقای مجعول است که بر اصل عدم جعل حکومت دارد.[[1]](#footnote-1)

مرحوم امام بعد از نقل این بیان، در قالب دو بیان به آن اشکال نموده است.

### اشکال اول: عدم ارتباط بین شک در حد جعل با شک در بقای مجعول

شک در این که حد جعل شارع چیست؛ شک در بقای مجعول نیست، بلکه شک در حد و محدوده جعل شارع است، یعنی شک در وجود و عدم وجود جعل حرمت نسبت به فرض بعد از زوال تغیر است که ربطی به شک در بقای مجعول ندارد، بلکه شک نسبت به وجود جعل شارع بعد از زوال، مربوط به عدم علم به محدوده جعل است.

### اشکال دوم: سببیت تکوینی نه شرعی

بر فرض پذیرش این که شک در جعل، مسبب از شک در بقای مجعول باشد، باز هم از آن جا که ترتب و سببیت جعل بر مجعول، شرعی نیست، بلکه ترتبی تکوینی است.

به نظر می رسد وجود این نزاع، ناشی از امر ناصحیحی است که پشت پرده ذهنی بزرگان قم (مرحوم حائری، مرحوم امام و مرحوم داماد) وجود داشته است؛ که انشاالله خواهد آمد.

## اشکال هشتم: عدم تعارض بین اصلین (مرحوم امام خمینی)

مرحوم امام بیانی در دفع معارضه بین اصل عدم جعل با استصحاب بقای مجعول دارد که در واقع بیان هشتم است.

بنا بر فرمایش ایشان، حق این است که تعارضی بین دو استصحاب نیست، چرا که تعارض فرع بر وحدت موضوع است، حال آن که در مقام بین دو اصل عدم جعل و بقای مجعول، اتحادی در ناحیه موضوع، وجود ندارد؛ چرا که با فرض وحدت موضوع، فقط یکی از دو استصحاب جاری می شود، زیرا اگر مقومیت زمان لحاظ شود، تنها اصل عدم جعل جاری می شود، و اگر زمان ظرف باشد، فقط استصحاب بقای مجعول جاری می شود.

و از طرفی اگر موضوع متعدد فرض شود هم بین این دو استصحاب تعارضی نیست و هر دو جاری می شود؛ چرا که استصحاب بقای مجعول دال بر بقای نجاست، و استصحاب عدم جعل نجاست بعد از تغیر، منکر جعل نجاست «بعنوان ما بعد التغیر» است، و بین این دو اصل تنافی نیست.[[2]](#footnote-2)

### اشکال: اطلاق اصل عدم جعل

کسانی که استصحاب عدم جعل را جاری می دانند، مرادشان عدم جعل «بخصوصه و عنوانه الخاص» نیست، بلکه مراد از آن اصل عدم جعلی است که مجامع با اطلاق است، (کما این که مرحوم صدر به آن اشاره نموده است) یعنی، این اصل نفی جعل نجاستی اعم می کند که شامل نجاست بالاطلاق هم می شود، لذا استصحاب در ناحیه جعل با اصل بقای مجعول معارض خواهد بود.

به نظر می رسد منشأ این فرمایش و آن حکومت منسوب به کلام مرحوم حاج شیخ، غفلت از همین امر باشد.

مراد از اصل عدم جعل، عدم لحاظ نیست، تا با استصحاب عدم جعل یا بقای مجعول اطلاق جعل ثابت شود، بلکه مراد از جعل همان مجعول از حیث انتساب به شارع و جاعل است.

1. . الرسائل، ج‏1، ص: 162. [↑](#footnote-ref-1)
2. . الرسائل، ج‏1، ص: 163. [↑](#footnote-ref-2)